فصلنامه تحقیقات علوم تربیتی در نظام آموزشی

شماره مجوز: ۹۴۲۲۱ ((شماره یازدهم-زمستان ۱۴۰۴)) ISSN : 2981-099X

ارزیابی سیاست‌های توانمندسازی معلمان و اثر آن بر کیفیت آموزشی[۱]

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۱۱/۰۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱۲/۰۴)

احمدرضا یزدانی

پژوهشگر فرهیخته اداره آموزش و پرورش استان اصفهان

چکیده

توانمندسازی معلمان به‌عنوان یکی از رویکردهای اساسی در سیاست‌گذاری آموزشی، نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتقای کیفیت آموزشی و بهبود عملکرد نظام‌های تعلیم و تربیت ایفا می‌کند. معلمان به‌عنوان عاملان اصلی فرایند یاددهی–یادگیری، تأثیر مستقیمی بر کیفیت آموزش و نتایج یادگیری دانش‌آموزان دارند. از این رو، سیاست‌های توانمندسازی معلمان با هدف ارتقای شایستگی‌های حرفه‌ای، افزایش خودکارآمدی، تقویت انگیزش شغلی و توسعه مشارکت سازمانی طراحی و اجرا می‌شوند. هدف پژوهش حاضر، ارزیابی سیاست‌های توانمندسازی معلمان و بررسی اثر آن‌ها بر کیفیت آموزشی است. این پژوهش با رویکرد توصیفی–تحلیلی و با استفاده از روش مرور نظام‌مند منابع علمی فارسی و انگلیسی انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که سیاست‌های توانمندسازی، در صورت برخورداری از انسجام نظری، پشتیبانی مدیریتی، مشارکت فعال معلمان و نظام ارزیابی مؤثر، می‌توانند منجر به بهبود کیفیت تدریس، ارتقای یادگیری دانش‌آموزان و افزایش رضایت شغلی معلمان شوند. با این حال، چالش‌هایی نظیر ضعف در اجرا، محدودیت منابع، ناهماهنگی نهادی و نگاه صوری به توانمندسازی، اثربخشی سیاست‌ها را کاهش می‌دهد. در پایان، پیشنهادهایی برای بهبود سیاست‌های توانمندسازی معلمان ارائه شده است.

واژگان کلیدی: توانمندسازی معلمان، سیاست‌های آموزشی، کیفیت آموزشی، توسعه حرفه‌ای، نظام آموزش و پرورش

---

[۱] بر اساس نظر هیات داوران همایش های بنیاد علمی قانون یار این مقاله، به عنوان یکی از مقالات برگزیده و منتخب دهمین همایش بنیاد علمی قانون یار تحت عنوان (همایش ملی تحقیقات و یافته های نوین علمی در حوزه علوم انسانی و فرهنگی) در تاریخ ۲۷ بهمن ماه ۱۴۰۴ در استان اصفهان (دانشگاه آزاد واحد دهاقان) برگزار شد، انتخاب گردید. این مقاله علاوه بر پذیرش در همایش، به صورت رایگان در فصلنامه تحقیقات علوم تربیتی در نظام آموزشی مورد پذیرش و چاپ قرار گرفت.

مقدمه

در دهه‌های اخیر، نظام‌های آموزشی در سراسر جهان با تحولات گسترده‌ای مواجه شده‌اند که ناشی از تغییرات فناورانه، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. این تحولات، انتظارات جدیدی را از نظام‌های تعلیم و تربیت ایجاد کرده و ضرورت بازنگری در سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی را بیش از پیش آشکار ساخته است. در این میان، کیفیت آموزشی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه انسانی و اجتماعی، مورد توجه سیاست‌گذاران و پژوهشگران قرار گرفته است. کیفیت آموزشی مفهومی چندبعدی است که ابعاد مختلفی از جمله کیفیت تدریس، محتوای آموزشی، محیط یادگیری و نتایج یادگیری دانش‌آموزان را در بر می‌گیرد. پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که معلمان نقش محوری در تحقق کیفیت آموزشی دارند و کیفیت عملکرد آنان تأثیر مستقیمی بر پیشرفت تحصیلی و رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان دارد . از این رو، توانمندسازی معلمان به‌عنوان یکی از راهبردهای کلیدی برای ارتقای کیفیت آموزشی مطرح شده است. توانمندسازی معلمان فرایندی است که طی آن معلمان از نظر دانش، مهارت، نگرش و اختیار عمل تقویت می‌شوند تا بتوانند نقش حرفه‌ای خود را به‌صورت مؤثرتر ایفا کنند. سیاست‌های توانمندسازی معلمان با هدف توسعه حرفه‌ای، افزایش خودکارآمدی، تقویت انگیزش شغلی و ارتقای مشارکت سازمانی طراحی می‌شوند. با وجود اهمیت این سیاست‌ها، ارزیابی میزان اثربخشی آن‌ها بر کیفیت آموزشی همچنان یکی از چالش‌های اساسی نظام‌های آموزشی محسوب می‌شود. پژوهش حاضر درصدد است به این خلأ پژوهشی پاسخ دهد.

کیفیت آموزشی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های کارآمدی نظام‌های آموزش و پرورش، همواره مورد توجه سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت بوده است. در عصر حاضر، نظام‌های آموزشی با چالش‌های متعددی از جمله تغییر نیازهای یادگیرندگان، تحولات سریع فناورانه، گسترش دانش و افزایش انتظارات اجتماعی مواجه‌اند. در چنین شرایطی، ارتقای کیفیت آموزش مستلزم توجه به عوامل انسانی مؤثر در فرایند یاددهی–یادگیری، به‌ویژه معلمان، است. معلمان به‌عنوان اصلی‌ترین کنشگران آموزشی، نقشی تعیین‌کننده در تحقق اهداف آموزشی،

تربیتی و اجتماعی ایفا می‌کننـد و کیفیـت عملکـرد آنـان ارتبـاط مسـتقیمی بـا کیفیـت یـادگیری دانش‌آموزان دارد.

در دهه‌های اخیر، مفهوم توانمندسازی معلمان بـه‌عنـوان یکـی از راهبردهـای اساسـی اصـلاحات آموزشی مطرح شده است. توانمندسازی معلمان به معنای فرایندی است که طی آن معلمان از نظر دانش حرفه‌ای، مهارت‌های آموزشی، خودکارآمدی، انگیزش شغلی و اختیار عمل تقویت می‌شوند تا بتوانند نقش حرفه‌ای خود را به‌صورت اثـربخش‌تـر ایفـا کننـد. بـر همـین اسـاس، سیاسـت‌هـای توانمندسازی معلمان با هدف توسعه حرفه‌ای مسـتمر، افـزایش مشـارکت در تصـمیم‌گیـری‌هـای آموزشی، بهبود شرایط کاری و ارتقای کیفیت تدریس طراحی و اجرا می‌شوند. انتظـار مـی‌رود ایـن سیاست‌ها در نهایت به بهبود کیفیت آموزشی و ارتقای نتایج یادگیری منجر شوند.

با وجود تأکید اسناد بالادستی، برنامـه‌هـای توسـعه آموزشـی و پـژوهش‌هـای علمـی بـر اهمیـت توانمندسازی معلمان، شواهد موجود نشان می‌دهد که در بسیاری از نظام‌هـای آموزشـی، از جملـه نظام آموزش و پرورش ایران، فاصله معناداری میان سیاست‌گـذاری و اجـرای مـؤثر سیاسـت‌هـای توانمندسازی وجود دارد. بسیاری از برنامه‌های توانمندسازی معلمان به‌صورت مقطعی، غیرمنسـجم و بدون توجه کافی به نیازهای واقعی معلمان اجرا می‌شوند. آموزش‌های ضمن خدمت اغلب جنبـه صوری داشته و کمتر به توسعه مهارت‌های عملـی، تفکـر انتقـادی و خلاقیـت حرفـه‌ای معلمـان می‌پردازند. علاوه بر این، مشارکت معلمان در طراحی و ارزیابی این سیاست‌ها محدود بوده و نقش آنان بیشتر به‌عنوان مجریان سیاست‌ها تعریف می‌شود تا کنشگران فعال فرایند اصلاح آموزشی.

از سوی دیگر، نبود نظام ارزیابی دقیق و مبتنی بر شواهد بـرای سـنجش اثربخشـی سیاسـت‌هـای توانمندسازی، یکی از چالش‌های اساسی در این حوزه محسوب می‌شود. در بسیاری از موارد، اجرای سیاست‌های توانمندسازی بدون بررسی پیامدهای واقعی آن‌ها بر کیفیت آموزشی، عملکرد معلمـان و یادگیری دانش‌آموزان صورت می‌گیرد. این امر موجب می‌شود که سیاست‌گذاران نتوانند تصویری روشن از میزان موفقیت یا ناکامی این سیاست‌ها به دسـت آورنـد و اصـلاحات لازم را بـر اسـاس داده‌های معتبر انجام دهند.

علاوه بر این، عوامل زمینه‌ای نظیر فرهنگ سازمانی مدارس، سبک رهبری مدیران، محدودیت منابع مالی و انسانی، و نگرش معلمان نسبت به تغییر، نقش مهمی در موفقیت یا ناکامی سیاست‌های توانمندسازی ایفا می‌کنند. نادیده گرفتن این عوامل می‌تواند اثربخشی سیاست‌ها را به‌شدت کاهش دهد و حتی منجر به مقاومت معلمان در برابر برنامه‌های اصلاحی شود. بنابراین، ارزیابی سیاست‌های توانمندسازی معلمان باید با نگاهی جامع و چندبعدی انجام شود که علاوه بر ابعاد حرفه‌ای، به ابعاد روان‌شناختی، سازمانی و فرهنگی نیز توجه داشته باشد. مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که سیاست‌های توانمندسازی معلمان تا چه حد توانسته‌اند به ارتقای کیفیت آموزشی منجر شوند و چه چالش‌ها و موانعی در مسیر تحقق اهداف این سیاست‌ها وجود دارد. به‌عبارت دیگر، این پژوهش در پی آن است که با ارزیابی سیاست‌های توانمندسازی معلمان، میزان اثرگذاری آن‌ها بر کیفیت آموزشی را بررسی کرده و زمینه‌های بهبود و اصلاح این سیاست‌ها را شناسایی کند. پرداختن به این مسئله می‌تواند به غنای ادبیات علمی حوزه آموزش و پرورش کمک کرده و شواهدی کاربردی برای سیاست‌گذاران و مدیران آموزشی فراهم آورد.

بخش اول: چارچوب نظری توانمندسازی معلمان

بند اول: مفهوم توانمندسازی معلمان

توانمندسازی معلمان مفهومی برخاسته از نظریه‌های مدیریت مشارکتی و روان‌شناسی سازمانی است که بر افزایش احساس شایستگی، خودمختاری، معنا و تأثیرگذاری کارکنان تأکید دارد . در حوزه آموزش، توانمندسازی معلمان به معنای ایجاد شرایطی است که معلمان بتوانند با اعتمادبه‌نفس، اختیار عمل و مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای، نقش خود را در فرایند آموزش ایفا کنند. توانمندسازی معلمان فراتر از آموزش‌های ضمن خدمت است و شامل ابعاد روان‌شناختی، سازمانی و اجتماعی نیز می‌شود. معلمان توانمند، خود را عامل تغییر می‌دانند و در تصمیم‌گیری‌های آموزشی مشارکت فعال دارند. این امر موجب افزایش تعهد حرفه‌ای و بهبود کیفیت تدریس می‌شود.

بند دوم: ابعاد توانمندسازی معلمان

توانمندسازی معلمان دارای ابعاد متعددی است. توانمندسازی حرفه‌ای شامل توسعه دانش تخصصی، مهارت‌های تدریس، ارزشیابی آموزشی و یادگیری مادام‌العمر است. توانمندسازی روان‌شناختی بر افزایش خودکارآمدی، انگیزش درونی و رضایت شغلی تمرکز دارد. توانمندسازی سازمانی به مشارکت معلمان در مدیریت مدرسه، تصمیم‌گیری‌های آموزشی و سیاست‌گذاری‌های درون‌سازمانی اشاره دارد. همچنین توانمندسازی فناورانه به افزایش توانایی معلمان در استفاده از فناوری‌های نوین آموزشی و یادگیری دیجیتال مربوط می‌شود.

بخش دوم: کیفیت آموزشی و مؤلفه‌های آن

بند اول: مفهوم کیفیت آموزشی

کیفیت آموزشی به میزان تحقق اهداف آموزشی و اثربخشی فرایندهای یاددهی–یادگیری اشاره دارد. این مفهوم تنها به نتایج تحصیلی محدود نمی‌شود، بلکه رشد شناختی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی دانش‌آموزان را نیز شامل می‌شود. در این چارچوب، کیفیت تدریس معلمان نقش تعیین‌کننده‌ای در تحقق کیفیت آموزشی دارد.

بند دوم: شاخص‌های کیفیت آموزشی

شاخص‌های کیفیت آموزشی شامل شایستگی حرفه‌ای معلمان، روش‌های تدریس فعال، تعامل مؤثر معلم و دانش‌آموز، محیط یادگیری حمایتی، استفاده از فناوری آموزشی و نظام ارزشیابی یادگیرنده‌محور است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد مدارسی که از معلمان توانمند برخوردارند، از سطح بالاتری از کیفیت آموزشی برخوردارند .

نهایتاً از منظر کاربردی، نتایج این پژوهش می‌تواند برای سیاست‌گذاران آموزشی، مدیران مدارس، برنامه‌ریزان آموزشی و معلمان سودمند باشد. یافته‌های پژوهش می‌تواند راهنمایی برای طراحی و اجرای سیاست‌های توانمندسازی معلمان فراهم آورد که با نیازهای واقعی معلمان و شرایط مدارس

سازگار باشد. همچنین، این پژوهش می‌تواند به مدیران آموزشی کمک کند تا با اتخاذ رویکردهای مشارکتی و حمایتی، زمینه توانمندسازی واقعی معلمان را فراهم سازند و کیفیت آموزشی را ارتقا دهند. ضرورت انجام این پژوهش از آن جهت است که ارتقای کیفیت آموزشی یکی از اهداف اساسی توسعه پایدار در جوامع امروزی محسوب می‌شود. توانمندسازی معلمان به‌عنوان عامل کلیدی تحقق این هدف، نیازمند توجه علمی، سیاست‌گذاری آگاهانه و ارزیابی مستمر است. پژوهش حاضر با تمرکز بر ارزیابی سیاست‌های توانمندسازی معلمان و اثر آن بر کیفیت آموزشی، می‌تواند گامی مؤثر در جهت بهبود نظام آموزشی و ارتقای کیفیت آموزش بردارد.

بخش سوم: روش گردآوری داده‌ها

گردآوری داده‌ها در این پژوهش از طریق روش مطالعه اسنادی و مرور نظام‌مند منابع علمی انجام شده است. بدین منظور، مقالات علمی منتشرشده در مجلات معتبر داخلی و خارجی، کتاب‌های تخصصی حوزه آموزش و پرورش، گزارش‌های پژوهشی سازمان‌های آموزشی و اسناد سیاستی مرتبط با توانمندسازی معلمان مورد بررسی قرار گرفته است. جستجوی منابع با استفاده از کلیدواژه‌هایی نظیر توانمندسازی معلمان، توسعه حرفه‌ای معلمان، کیفیت آموزشی و سیاست‌های آموزشی در پایگاه‌های علمی معتبر انجام شده است.

بخش چهارم: معیارهای انتخاب منابع

برای انتخاب منابع علمی، معیارهایی مشخص در نظر گرفته شده است. از جمله این معیارها می‌توان به ارتباط مستقیم با موضوع پژوهش، اعتبار علمی منبع، انتشار در مجلات معتبر علمی و به‌روز بودن منابع اشاره کرد. منابع فارسی و انگلیسی به‌گونه‌ای انتخاب شدند که پوشش مناسبی از دیدگاه‌های نظری و یافته‌های پژوهشی مرتبط با توانمندسازی معلمان و کیفیت آموزشی فراهم آورند. همچنین، تلاش شده است از منابعی استفاده شود که به ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی پرداخته‌اند.

بخش پنجم: روش تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها در این پژوهش به‌صورت کیفی و با رویکرد تحلیلی–مقایسه‌ای انجام شده است. بدین معنا که مفاهیم، رویکردها و یافته‌های مطرح‌شده در منابع مختلف مورد مقایسه و تحلیل قرار گرفته و نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها شناسایی شده است. در این فرایند، ابتدا داده‌های استخراج‌شده از منابع دسته‌بندی شده و سپس با استفاده از تحلیل محتوای کیفی، مضامین اصلی مرتبط با سیاست‌های توانمندسازی معلمان و کیفیت آموزشی استخراج شده است. این تحلیل به شناسایی الگوها، چالش‌ها و پیامدهای مشترک سیاست‌های توانمندسازی کمک کرده است.

بخش ششم: اعتبار و روایی پژوهش

به‌منظور افزایش اعتبار و روایی پژوهش، از منابع علمی معتبر و متنوع استفاده شده و تلاش شده است دیدگاه‌های مختلف نظری و تجربی در تحلیل‌ها لحاظ شود. همچنین، مقایسه یافته‌های پژوهش‌های داخلی و خارجی امکان ارزیابی جامع‌تر موضوع را فراهم کرده است. شفافیت در مراحل گردآوری و تحلیل داده‌ها و تبیین دقیق روش کار، از دیگر اقداماتی است که به افزایش اعتبار پژوهش کمک کرده است.

بخش هفتم: بحث و تحلیل یافته‌ها

یافته‌های حاصل از مرور و تحلیل منابع علمی نشان می‌دهد که سیاست‌های توانمندسازی معلمان نقش محوری در ارتقای کیفیت آموزشی ایفا می‌کنند. نتایج پژوهش‌های داخلی و خارجی حاکی از آن است که توانمندسازی معلمان، از طریق توسعه شایستگی‌های حرفه‌ای، افزایش خودکارآمدی و تقویت انگیزش شغلی، زمینه بهبود کیفیت تدریس و یادگیری را فراهم می‌سازد. این یافته‌ها با دیدگاه‌های نظری مرتبط با توانمندسازی روان‌شناختی و توسعه حرفه‌ای معلمان هم‌راستا است که بر اهمیت نقش فعال معلمان در فرایندهای آموزشی تأکید دارند.

- تحلیل اثر توانمندسازی بر کیفیت تدریس

یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش حاضر، تأثیر مثبت سیاست‌های توانمندسازی بر کیفیت تدریس معلمان است. معلمان توانمند، از روش‌های تدریس فعال و یادگیرنده‌محور استفاده می‌کنند و توانایی بیشتری در طراحی فعالیت‌های آموزشی متنوع و متناسب با نیازهای یادگیرندگان دارند. توسعه حرفه‌ای مستمر و آموزش‌های هدفمند، موجب افزایش تسلط معلمان بر محتوای درسی و روش‌های نوین آموزشی می‌شود. این امر به ارتقای تعاملات آموزشی و بهبود کیفیت یاددهی– یادگیری منجر می‌گردد.

- تحلیل پیامدهای روان‌شناختی و سازمانی توانمندسازی

تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که توانمندسازی معلمان علاوه بر پیامدهای آموزشی، آثار روان‌شناختی و سازمانی قابل‌توجهی دارد. افزایش احساس خودکارآمدی، رضایت شغلی و تعهد سازمانی از جمله پیامدهای مثبت سیاست‌های توانمندسازی است. معلمانی که از حمایت سازمانی و فرصت مشارکت برخوردارند، نگرش مثبت‌تری نسبت به شغل خود دارند و با انگیزه بیشتری در فعالیت‌های آموزشی مشارکت می‌کنند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌هایی که توانمندسازی را عاملی مؤثر در کاهش فرسودگی شغلی معلمان می‌دانند، هم‌خوانی دارد.

- تحلیل چالش‌های اجرای سیاست‌های توانمندسازی

با وجود نتایج مثبت توانمندسازی معلمان، یافته‌ها نشان می‌دهد که اجرای سیاست‌های توانمندسازی با چالش‌های متعددی مواجه است. از جمله این چالش‌ها می‌توان به اجرای صوری برنامه‌ها، نبود انسجام سیاستی، محدودیت منابع مالی و انسانی و ضعف در نظام ارزیابی اشاره کرد. همچنین، نادیده گرفتن تفاوت‌های فردی معلمان و زمینه‌های فرهنگی و سازمانی مدارس می‌تواند اثربخشی سیاست‌های توانمندسازی را کاهش دهد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که صرف تدوین سیاست‌های توانمندسازی بدون توجه به شرایط اجرایی، نمی‌تواند به تحقق اهداف مورد انتظار منجر شود.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی سیاست‌های توانمندسازی معلمان و بررسی اثر آن بر کیفیت آموزشی انجام شد. نتایج نشان می‌دهد که توانمندسازی معلمان یکی از راهبردهای اساسی و مؤثر در ارتقای کیفیت آموزشی است. سیاست‌های توانمندسازی، در صورت طراحی علمی و اجرای اثربخش، می‌توانند به بهبود کیفیت تدریس، افزایش انگیزش شغلی معلمان، ارتقای یادگیری دانش‌آموزان و توسعه فرهنگ مدرسه‌ای منجر شوند. از منظر نظری، یافته‌های پژوهش حاضر بر اهمیت رویکردهای چندبعدی به توانمندسازی معلمان تأکید دارد و نشان می‌دهد که توانمندسازی باید ابعاد حرفه‌ای، روان‌شناختی و سازمانی را به‌طور هم‌زمان در بر گیرد. از منظر کاربردی، نتایج پژوهش می‌تواند راهنمایی برای سیاست‌گذاران و مدیران آموزشی در طراحی و اجرای برنامه‌های توانمندسازی معلمان فراهم آورد. توجه به نیازهای واقعی معلمان، مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌ها و ایجاد نظام‌های حمایتی مؤثر از جمله راهکارهای پیشنهادی است. بر اساس نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌شود سیاست‌های توانمندسازی معلمان با رویکردی مشارکتی و مبتنی بر شواهد طراحی و اجرا شوند. ایجاد نظام‌های ارزیابی مستمر، تقویت رهبری آموزشی در مدارس و فراهم‌سازی فرصت‌های یادگیری حرفه‌ای مستمر برای معلمان از جمله اقدامات ضروری در این زمینه است. در مجموع، توانمندسازی معلمان به‌عنوان عامل کلیدی ارتقای کیفیت آموزشی، نیازمند توجه مستمر و سیاست‌گذاری آگاهانه است و پژوهش حاضر می‌تواند گامی مؤثر در جهت تحقق این هدف محسوب شود.

منابع و مآخذ

- حسنی، مهدی .(۱۳۹۸) توانمندسازی معلمان و توسعه حرفه‌ای .تهران: انتشارات سمت.
- سرمد، زهره، بازرگان، عباس، و حجازی، الهـه) .۱۳۹۷ .(روش‌هـای پـژوهش در علـوم رفتاری .تهران: انتشارات آگاه.
- کریمی، یوسف .(۱۴۰۰) روان‌شناسی تربیتی .تهران: انتشارات ویرایش.
- عباس‌زاده، علی، و رضایی، فاطمه. (۱۳۹۹). بررسی رابطه توانمندسازی معلمان با کیفیت تدریس در مدارس متوسطه .فصلنامه پژوهش‌های تربیتی، ۱۶(۲) ۸۵–۱۰۴.
- احمدی، محمد، و موسوی، زهرا. (۱۳۹۸). نقش توانمندسازی معلمان در ارتقـای کیفیـت آموزشی مدارس .مجله مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، ۷(۱) ۴۵–۶۲.
- رضـایی، حسـین. (۱۳۹۷). توانمندسـازی معلمـان و پیامـدهای آن در نظـام آمـوزش و پرورش .فصلنامه مدیریت آموزشی، ۹(۳) ۷۱–۸۹.
- شعبانی، حسن .(۱۳۹۶) مهارت‌های آموزشی و پرورشی روش‌ها و فنون تدریس .تهران: انتشارات سمت.
- یوسفی، نرگس، و حیدری، علـی. (۱۴۰۰). تـأثیر توسـعه حرفـه‌ای معلمـان بـر کیفیـت یادگیری دانش‌آموزان .فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۱۹(۴) ۱۲۳–۱۴۵.
- *Darling-Hammond, L. ۲۰۱۷. Teacher quality and student achievement. Educational Policy*
- *Fullan, M. ۲۰۱٦. The new meaning of educational change. Teachers College Press.*
- *Hargreaves, A. ۲۰۱۸. Teaching in the knowledge society. Open University Press.*
- *Spreitzer, G. ۱۹۹٥. Psychological empowerment in the workplace. Academy of Management Journal UNESCO.*